

فساد بانکی در ایران: تحلیل عوامل، پیامدها و راهکارهای مقابله

محدثه رئیسی^۱

چکیده

گزارش حاضر به بررسی ابعاد مختلف فساد بانکی در ایران می‌پردازد. فساد بانکی در ایران، پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده با ریشه در عوامل ساختاری، سیاسی و اقتصادی است که در سه دوره اصلی قابل تشخیص است: دوران شرکت‌های مضاربه‌ای، دوران خصوصی‌سازی بانک‌ها و گسترش مؤسسات اعتباری غیرمجاز و دوران تشدید فشارهای اقتصادی و پرونده‌های اختلاس کلان. انواع مختلفی از فساد بانکی از جمله اختلاس، رشوه‌خواری، پول‌شویی، تقلب و سوءاستفاده از منابع بانکی شناسایی شده‌اند. عوامل اصلی بروز این فساد شامل ضعف نظارت، شفاف نبودن قوانین، اختیارات وسیع شعب بانک‌ها و ضعف در فرهنگ اخلاق حرفه‌ای است. پیامدهای این فساد نیز گسترده و مخرب و شامل کاهش اعتماد عمومی، هدررفت منابع مالی، تأثیرات منفی بر سیاست‌های پولی و اقتصادی و تهدید امنیت ملی است. مطالعات موردی ارائه شده (اختلاس ۱۲۳ میلیاردتومانی، اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردتومانی و پرونده چای دیش) به‌خوبی این ابعاد را نشان می‌دهد. ملاحظات امنیت اقتصادی در ارتباط با فساد بانکی شامل تضعیف حاکمیت اقتصادی، افزایش ریسک‌های مالی، بحران‌های اجتماعی و تهدید امنیت ملی است. برای مقابله با این معضل، تقویت ساختارهای نظارتی، افزایش شفافیت، استفاده از فناوری اطلاعات، رویکرد مبتنی بر ریسک و تقویت فرهنگ اخلاق حرفه‌ای پیشنهاد می‌شود. بدون اقدامات جدی و جامع، این پدیده به رشد خود ادامه می‌دهد و به امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی کشور آسیب جدی وارد می‌کند.

واژگان کلیدی: فساد بانکی، امنیت اقتصادی، شفافیت مالی، نظارت بانکی.

مقدمه

Hamja, 2024; Haykal et al, 2024; Li Roy,

(2025).

بررسی ابعاد مختلف فساد بانکی از اهمیت حیاتی برخوردار است. این موضوع به دلیل پیامدهای گسترده و مخرب این پدیده بر ثبات اقتصادی، اعتماد عمومی به نهادهای مالی و توزیع عادلانه منابع است. فساد بانکی نه تنها منجر به اتلاف منابع مالی و اختلال در عملکرد سیستم بانکی می‌شود،

فساد بانکی به سوءاستفاده نظام‌مند از موقعیت و منابع مالی در سیستم بانکی برای منافع غیرقانونی اشاره دارد. این پدیده پیچیده که شامل اختلاس، رشوه‌خواری، پول‌شویی و تقلب می‌شود، افزون‌بر آسیب به نظام مالی، اعتماد عمومی را نابود می‌کند و پیامدهای ویرانگری برای اقتصاد و جامعه دارد (Dote-Pardo & Severino-González, 2025;)

رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در عرصه بین‌المللی و کاهش رفاه عمومی منجر می‌شود (حسین‌پور، معدنی، شریف‌زاده و محقق‌نیا، ۱۳۹۷؛ سراج، ۱۴۰۰؛ مداح و پرنیان، ۱۳۹۹). بنابراین، مطالعه و تحلیل دقیق عوامل مؤثر در بروز فساد بانکی، شناسایی روش‌های مقابله با آن و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های پیشگیرانه و کنترلی برای حفظ سلامت اقتصادی و اجتماعی جوامع ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این پژوهش‌ها می‌توانند به تدوین سیاست‌های کارآمدتر و مؤثرتر در پیشگیری و مبارزه با فساد بانکی و تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام بانکی کمک شایانی کنند. هدف اصلی این گزارش، بررسی ابعاد مختلف فساد بانکی در ایران و ارائه راهکارهای مقابله با آن است. اهمیت این موضوع به دلیل پیامدهای گسترده و مخرب فساد بانکی بر اقتصاد ایران ازجمله کاهش رشد اقتصادی، افزایش نابرابری، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی و بی‌ثباتی اقتصادی است. این گزارش با بررسی تاریخیچه فساد بانکی در ایران، شناسایی انواع فساد بانکی، عوامل بروز آن، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و ارائه مطالعات موردی، به دنبال تصویری جامع از این معضل و ارائه راهکارهای عملی و مؤثر برای پیشگیری و مبارزه با آن است. همچنین، ملاحظات امنیت اقتصادی در ارتباط با فساد بانکی مورد بررسی قرار گرفته است و درنهایت، پیشنهادهایی برای بهبود شفافیت، پاسخ‌گویی و کارایی نظام بانکی ایران ارائه می‌شود.

بلکه می‌تواند به تضعیف حاکمیت قانون، افزایش نابرابری اقتصادی و اجتماعی و درنهایت، بی‌ثباتی سیاسی بینجامد (Aitzhanova et al, 2024; Santoso et al, 2024; Siddhartha, 2024; Хаванов, 2024). فساد بانکی در ایران با توجه به نقش محوری نظام بانکی در اقتصاد کشور، پیامدهای منفی گسترده‌ای بر اقتصاد ملی دارد. اختلاس‌های کلان، اعطای تسهیلات غیرمجاز و رانت‌خواری، به تضعیف ثبات مالی، کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری منجر شده است. این موضوع به‌نوبه خود، رشد اقتصادی را کند و توزیع نامناسب منابع را تشدید کرده است. همچنین، فساد بانکی به افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی و افزایش بدهی‌های دولت و بخش خصوصی کمک کرده است. فقدان شفافیت در نظام بانکی موجب افزایش هزینه تراکنش‌ها و کاهش کارایی بازارهای مالی شده است. درنهایت، این عوامل به کاهش اعتماد عمومی به سیستم بانکی و افزایش بی‌ثباتی اقتصادی در ایران دامن زده‌اند. افزون‌بر موارد بالا، فساد بانکی در ایران به ایجاد رانت و انحصار در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شده است. دسترسی نامناسب به منابع مالی به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط موجب محدودیت در ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی شده است. همچنین، فساد بانکی به فساد در دیگر بخش‌های اقتصاد مانند بخش‌های دولتی و خصوصی منجر می‌شود و چرخه معیوب فساد را تشدید می‌کند. این موضوع به‌طورکلی، به کاهش





۱-۱- دوره شکل‌گیری شرکت‌های مضاربه‌ای (دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰)

نارسایی‌های ساختاری نظام بانکی دولتی ازجمله نرخ بهره پایین و محدودیت دسترسی به تسهیلات، به ظهور شرکت‌های مضاربه‌ای به‌عنوان جایگزینی غیررسمی و فاقد نظارت کافی انجامید. این شرکت‌ها با جذب سرمایه‌های مردمی و وعده سودهای کلان، اما بدون شفافیت و پاسخ‌گویی لازم، به یکی از عوامل اصلی فساد مالی در این دوره تبدیل شدند. ضعف نظارت و تبانی احتمالی بین گروه‌های ذی‌نفوذ و این شرکت‌ها، به هدر رفتن سرمایه‌های عمومی و کاهش اعتماد عمومی به سیستم مالی منجر شد (غنی‌نژاد، ۱۴۰۲).

مثال بارز فساد مالی این دوره، پرونده اختلاس ۱۲۳ میلیاردتومانی بانک صادرات در سال ۱۳۷۴ بوده که با نام فاضل خداداد و همکاری برخی از کارمندان بانک گره خورده است. این اختلاس در زمان وقوع، بزرگ‌ترین اختلاس ثبت‌شده در ایران شمرده می‌شد و تا سال ۱۳۹۰، رکورددار این عنوان باقی ماند تا اینکه اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردتومانی مه‌آفرید امیرخسروی این رکورد را شکست. فاضل خداداد پس از وقوع اختلاس از کشور گریخت، اما پس از مدتی با وعده عفو به ایران بازگشت. بااین‌حال، وی دوباره دستگیر شد و پس از محاکمه‌ای که ریاست آن بر عهده غلامحسین محسنی اژه‌ای بود، به اتهام فساد مالی و تخلفات اقتصادی به اعدام محکوم شد. در این پرونده، مرتضی رفیق‌دوست، برادر محسن رفیق‌دوست نیز به‌عنوان یکی از متهمان، به حبس ابد محکوم، اما در سال ۱۳۸۲ از زندان آزاد شد. اظهارات

۱- تاریخچه فساد بانکی در ایران؛ مرور موارد معروف مانند اختلاس‌های کلان و شرکت‌های مضاربه‌ای، تغییرات و روندهای تاریخی فساد بانکی

فساد بانکی در ایران یکی از معضلات جدی و پیچیده‌ای است که در دهه‌های گذشته به اشکال مختلفی ظهور کرده و تأثیرات عمیقی بر اقتصاد کشور گذاشته است. از اختلاس‌های کلان گرفته تا ظهور شرکت‌های مضاربه‌ای، تاریخچه فساد بانکی نشان‌دهنده مشکلات ساختاری و ضعف‌های نظارتی در این حوزه است. فساد بانکی در ایران در دهه‌های گذشته همواره در حال تغییر و تحول بوده و هر دوره‌ای از تاریخ معاصر شاهد شکل‌گیری روندهای جدید و تغییراتی در ماهیت این پدیده بوده است. از دوران ابتدایی تشکیل نظام بانکی مدرن تا به امروز، ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشور تأثیر زیادی بر این روندها گذاشته‌اند. تاریخچه فساد بانکی در ایران را می‌توان به سه دوره اصلی تقسیم کرد.

فساد بانکی در ایران با توجه به نقش محوری نظام بانکی در اقتصاد کشور، پیامدهای منفی گسترده‌ای بر اقتصاد ملی دارد. اختلاس‌های کلان، اعطای تسهیلات غیرمجاز و رانت‌خواری، به تضعیف ثبات مالی، کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری منجر شده است.



۱-۳- دوره تشدید فشارهای اقتصادی و پرونده‌های

اختلاس کلان (دهه‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰)

در دهه‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰، نظام بانکی ایران شاهد تشدید فسادهای مالی نظام‌مند بود که ریشه در تحریم‌های بین‌المللی، ضعف ساختاری نظارتی و نفوذ بازیگران سیاسی داشت. دو پرونده شاخص این دوره، اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردتومانی و فساد مالی چای دبش، به‌خوبی نشان می‌دهند که چگونه شبکه‌های فساد از خلأهای قانونی و ارتباطات خود در بدنه نظام بانکی و اجرایی کشور سوءاستفاده کرده‌اند.

پرونده اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردتومانی در سال ۱۳۹۰، با نقشه‌ریزی مه‌آفرید امیرخسروی و همدستانش به وقوع پیوست. این گروه با ایجاد شرکت‌های صوری، جعل اسناد بانکی و سوءاستفاده از روابط خود در بانک‌های مختلف، موفق شدند این مبلغ کلان را از هفت بانک بزرگ کشور خارج کنند. در جریان رسیدگی به این پرونده، نام افراد و نهادهای متعددی مطرح شد که نشان از عمق نفوذ این شبکه در بدنه نظام بانکی و اجرایی کشور داشت. درنهایت، برخی از متهمان به مجازات سنگینی محکوم شدند، اما ابهامات زیادی درباره رسیدگی کامل به این پرونده و بازگشت کامل وجوه اختلاس‌شده باقی ماند (سراج، ۱۴۰۰).

در دهه ۱۴۰۰، تلاش‌هایی برای تقویت نظارت و اصلاح ساختارهای بانکی صورت گرفت، اما ریشه‌کنی فساد نیازمند اصلاحات ساختاری عمیق‌تر و تعهد جدی‌تر به شفافیت و پاسخ‌گویی است. این ضرورت به‌ویژه پس از افشای پرونده فساد مالی چای

متناقض در مورد نقش مرتضی رفیق‌دوست در این پرونده ازجمله ادعای محسن رفیق‌دوست مبنی بر نقش محدود برادرش و درخواست وی برای کاهش مجازات برادرش در دادگاه، ابعاد پیچیده‌ای به این پرونده می‌بخشد و نشان از نفوذ و روابط پیچیده در سیستم قدرت آن زمان دارد. بررسی دقیق‌تر این پرونده نیازمند دسترسی به اسناد و مدارک کامل پرونده و تحلیل عمیق‌تر اظهارات شاهدان و متهمان است تا بتوان به درک جامعی از ابعاد مختلف این پرونده و چگونگی وقوع آن دست یافت. این پرونده همچنین، نشان از ضعف‌های ساختاری و نظارتی در سیستم بانکی و قضایی ایران در آن دوره دارد (عزیزی، ۱۳۹۸).

۱-۲- دوره خصوصی‌سازی بانک‌ها و گسترش

مؤسسات اعتباری غیرمجاز (دهه ۱۳۸۰)

خصوصی‌سازی بانک‌ها نوآوری‌هایی را به همراه داشت، اما به دلیل ضعف نظارت و اجرای ناکارآمد قوانین، زمینه را برای سوءاستفاده از تسهیلات کلان و فقدان شفافیت در قراردادهای بانکی فراهم کرد. هم‌زمان، گسترش مؤسسات اعتباری غیرمجاز و فعالیت‌های شبیه به طرح‌های هرمی (پانزی) با وعده سودهای غیرواقعی و بدون نظارت کافی بانک مرکزی، بحران‌های مالی بزرگی را به دنبال داشت. نفوذ قدرت‌های سیاسی و رانت‌خواری در این مؤسسات، مقابله با فساد را با چالش جدی مواجه ساخت. این دوره، نشان‌دهنده ضعف در نظارت و حاکمیت قانون و وجود رانت‌های غیررسمی در دسترسی به منابع مالی بود (مؤمنی و حاجی‌نوروزی، ۱۳۹۶).





شد. گسترش مؤسسات اعتباری غیرمجاز نیز در این دوره، بحران‌های مالی بزرگی را به دنبال داشت. در دوره سوم، فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها به سوءاستفاده از منابع بانکی برای تأمین مالی طرح‌های غیرمولد و جبران کسری بودجه دامن زد. پرونده‌های اختلاس کلان در این دوره، نشان از ضعف‌های ساختاری در نظام بانکی، نبود شفافیت و پاسخ‌گویی و نفوذ قدرت‌های سیاسی در تصمیم‌گیری‌های مالی دارد. بنابراین، مبارزه با فساد بانکی در ایران نیازمند رویکردی چندجانبه و جامع است که شامل اصلاحات ساختاری عمیق در نظام بانکی، تقویت نظارت و شفافیت، افزایش پاسخ‌گویی در تمام سطوح و تقویت نهادهای نظارتی مستقل می‌شود. افزون‌براین، توجه به ابعاد سیاسی و اجتماعی فساد بانکی ازجمله نقش قدرت‌های سیاسی و اقتصادی در تداوم این پدیده ضروری است. بدون توجه به این عوامل ریشه‌ای و اتخاذ رویکردی جامع و بلندمدت، تلاش‌ها برای مقابله با فساد بانکی به‌احتمال موقتی و ناکارآمد خواهد بود و به‌طور مداوم، این پدیده با اشکال جدید و پیچیده‌تر خود را نشان خواهد داد. درنتیجه، راهبرد ملی با مشارکت همه ذی‌نفعان ازجمله دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای ریشه‌کنی فساد بانکی ضروری است.

۲- عوامل بروز فساد بانکی در ایران

فساد مالی در نظام بانکی یکی از چالش‌های جدی و پیچیده در بسیاری از کشورها ازجمله ایران است. این پدیده نه‌تنها به ضررهای مالی قابل توجه برای

دبش در اوایل دهه ۱۴۰۰ آشکارتر شد؛ پرونده‌ای که با اختلاس ۱۴۰ هزار میلیاردتومانی موجی از خشم و اعتراض عمومی را برانگیخت. این گروه با سوءاستفاده از سیاست ارز ترجیحی و استفاده از شبکه نفوذ خود در نهادهای مختلف دولتی، ارزهای دریافتی را در بازار آزاد به فروش رساندند یا بدون انجام دادن تعهدات وارداتی، رفع تعهد کردند. افزون‌براین، واردات چای بی‌کیفیت و فاسد با قیمت‌های گزاف، آسیب‌های جدی به تولیدکنندگان داخلی چای و سلامت عمومی وارد کرد. بررسی صورت‌های مالی شرکت دبش نشان داد که افزایش سرمایه این شرکت کاملاً نامتناسب با سودآوری آن بوده است (چشمی و حبیبی نیکجو، ۱۳۹۶؛ شکوهی فرد، آل‌عمران، رحیم‌زاده و فرهنگ، ۱۳۹۹؛ کریمی وردجانی، حسن‌زاده سروستانی، قوام و غفاری، ۱۳۹۹؛ مداح و پرنیان، ۱۳۹۹؛ سراج، ۱۴۰۰).

تحلیل تاریخچه فساد بانکی در ایران نشان می‌دهد که این پدیده، مشکلی چندوجهی و پیچیده است که ریشه در عوامل ساختاری، سیاسی و اقتصادی دارد. سه دوره‌ای که در بررسی‌های پیشین مورد اشاره قرار گرفتند، هرکدام به‌گونه‌ای این عوامل را برجسته می‌کنند. در دوره نخست، نارسایی‌های ساختاری نظام بانکی دولتی و فقدان نظارت کافی بر شرکت‌های مضاربه‌ای، زمینه را برای سوءاستفاده و هدررفت سرمایه‌های عمومی فراهم کرد. در دوره دوم، خصوصی‌سازی بانک‌ها نوآوری‌هایی را به همراه داشت، اما به دلیل ضعف نظارت و اجرای ناکارآمد قوانین، به افزایش فساد و رانت‌خواری منجر





بانک‌ها، سهام‌داران و سپرده‌گذاران می‌انجامد، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای مالی را به شدت تضعیف می‌کند و ثبات اقتصادی را به خطر می‌اندازد. عوامل متعددی در بروز فساد بانکی نقش دارند که درهم‌تنیدگی آن‌ها مبارزه با این پدیده را بسیار دشوار می‌کند. در این بررسی، به عوامل کلیدی بروز فساد بانکی در ایران با تمرکز بر ضعف نظارت، شفاف نبودن قوانین، اختیارات وسیع شعب بانک‌ها و دیگر عوامل مرتبط خواهیم پرداخت. هدف از این تحلیل، شناسایی ریشه‌های این مشکل و ارائه راهکارهایی برای کاهش و پیشگیری از فساد در نظام بانکی کشور است. درک این عوامل ضروری است تا بتوان راهکارهای مؤثر و پایدار برای مقابله با این چالش اقتصادی و اجتماعی ارائه داد.

۲-۱- ضعف نظارت

نظارت کارآمد بر نظام بانکی اساسی‌ترین رکن در پیشگیری و مبارزه با فساد مالی است. ضعف در این حوزه نه تنها به وقوع جرائم مالی دامن می‌زند، بلکه شناسایی و پیگیری آن‌ها را نیز با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌کند. این ضعف‌ها ابعاد مختلفی دارند و از نارسایی‌های ساختاری تا محدودیت‌های فناوری و حتی نفوذ عوامل سیاسی را دربرمی‌گیرند. در سطح ساختاری، کمبود ابزارها و روش‌های نظارتی کارآمد، نبود سیستم‌های هشداردهنده به‌روز و فقدان هماهنگی بین نهادهای نظارتی مختلف، به ایجاد شکاف‌های نظارتی منجر می‌شود و فرصت‌های مناسبی را برای سوءاستفاده فراهم می‌آورد. استفاده نکردن از فناوری‌های نوین در

تحلیل تراکنش‌ها، شناسایی الگوهای مشکوک و ردیابی جریان‌های مالی غیرقانونی به این مشکل دامن می‌زند. همچنین، فقدان شفافیت در گزارش‌دهی مالی بانک‌ها و عدم دسترسی به موقع و کامل به اطلاعات مالی، پیگیری و شناسایی تخلفات را بسیار دشوار می‌کند. افزون‌براین، نفوذ عوامل سیاسی و تأثیرگذاری گروه‌های ذی‌نفع به‌طور شایان توجهی کارایی نهادهای نظارتی را تضعیف می‌کند. این نفوذ می‌تواند به‌صورت مستقیم با دخالت در تصمیم‌گیری‌ها یا به‌صورت غیرمستقیم با ایجاد فشار و تهدید بر کارکنان نهادهای نظارتی خود را نشان دهد. در نتیجه، نهادهای نظارتی نمی‌توانند به‌طور مستقل و بی‌طرفانه به وظایف خود عمل کنند و این موضوع، به کاهش پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری در نظام بانکی می‌انجامد. درنهایت، این ضعف‌های نظارتی به‌ویژه در شناسایی تراکنش‌های مشکوک و بررسی حساب‌های پرریسک به افزایش موارد اختلاس، پول‌شویی و دیگر جرائم مالی منجر می‌شود. بنابراین، تقویت ساختار نظارتی با تأکید بر استقلال نهادهای نظارتی، به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، شفاف‌سازی گزارش‌دهی مالی و ایجاد سازوکارهای شفاف و کارآمد برای گزارش‌دهی تخلفات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. همچنین، آموزش و ارتقای آگاهی کارکنان نهادهای نظارتی و بانک‌ها در زمینه شناسایی و پیشگیری از فساد مالی نقش کلیدی در موفقیت این مبارزه ایفا می‌کند (Christinawati & Setiyawati, 2022).





هماهنگی بین قوانین و مقررات مختلف و نیز فقدان تعریف شفاف محدودیت‌ها و ضوابط، مشکل را تشدید می‌کند. این ناهماهنگی‌ها به ایجاد خلأهای قانونی منجر می‌شود و زمینه را برای سوءاستفاده از منابع مالی فراهم می‌آورد. برای مثال، فقدان تعریف شفاف محدودیت‌های اعطای تسهیلات به افراد و شرکت‌های خاص می‌تواند به اعطای تسهیلات غیرقانونی و سوءاستفاده از منابع مالی منجر شود. درنهایت، عدم اجرای دقیق قوانین موجود مانند قانون ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات بانکی به‌عنوان عامل مهمی در افزایش موارد فساد مالی در نظام بانکی قابل بررسی است. این نارسایی‌ها به ایجاد فضای غیرشفاف و غیرقابل پیش‌بینی منجر می‌شود و مبارزه با فساد را بسیار دشوار می‌سازد. بنابراین، شفاف‌سازی قوانین و مقررات بانکی، هماهنگی بین آن‌ها و نیز اجرای دقیق و قاطع قوانین موجود، از ضروریات اصلاح و بهبود نظام بانکی کشور است. این موضوع نیازمند رویکرد جامع و هماهنگی است که تمام ابعاد این مشکل را در نظر بگیرد.

۲-۳- اختیارات وسیع داده‌شده به شعب بانک‌ها

اختیارات وسیع و کنترل‌نشده اعطاشده به شعب بانک‌ها به‌عنوان یکی از گلوگاه‌های اصلی فعالیت‌های بانکی، نقش مهمی در افزایش آسیب‌پذیری نظام بانکی در برابر فساد مالی دارد. شعب بانک‌ها به‌عنوان نقطه تماس مستقیم با مشتریان، در تخصیص منابع و اعطای تسهیلات نقش کلیدی دارند، اما اعطای اختیارات وسیع بدون

نارسایی‌های ساختاری نظام بانکی دولتی ازجمله نرخ بهره پایین و محدودیت دسترسی به تسهیلات، به ظهور شرکت‌های مضاربه‌ای به‌عنوان جایگزینی غیررسمی و فاقد نظارت کافی انجامید.

۲-۲- شفاف نبودن قوانین

فقدان شفافیت و ابهام در قوانین و مقررات بانکی یکی از ریشه‌های اصلی فساد مالی در این نظام است. این مشکل نه‌تنها به سوءاستفاده از منابع مالی منجر می‌شود، بلکه پیگیری و مجازات متخلفان را نیز بسیار دشوار می‌سازد. این ابهامات ابعاد مختلفی دارد و از پیچیدگی ساختار قوانین تا عدم هماهنگی بین آن‌ها و نیز عدم اجرای دقیق قوانین موجود را دربرمی‌گیرد (Bidabad & Sherafati, 2019). در وهله نخست، پیچیدگی ساختار قوانین و مقررات بانکی زمینه را برای تفسیرهای متعدد و گاه مغایر فراهم می‌آورد. این موضوع به‌ویژه در مواردی که قوانین به‌صورت مجزا و بدون توجه به ارتباط آن‌ها با یکدیگر تنظیم شده‌اند، مشهودتر است. این ابهامات فرصت‌های مناسبی را برای سوءاستفاده از خلأهای قانونی و پوشاندن اقدامات غیرقانونی فراهم می‌آورد. برای مثال، قوانین مرتبط با اعطای تسهیلات بانکی در بسیاری از موارد با ناهماهنگی و تفسیرهای مختلف مواجه هستند که این موضوع سوءاستفاده را آسان می‌کند. افزون‌براین، عدم



متخلفان از ضروریات اصلاح و بهبود نظام بانکی کشور است. این موضوع نیازمند رویکرد جامع و هماهنگی است که تمام ابعاد این مشکل را در نظر بگیرد.

۲-۴- دیگر عوامل مهم

افزون بر ضعف‌های ساختاری نظارتی، عدم شفافیت قانونی و اختیارات گسترده شعب بانک‌ها، عوامل دیگری نیز در گسترش فساد مالی در نظام بانکی ایران نقش بسزایی دارند. این عوامل به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چرخه معیوبی را ایجاد می‌کنند که مبارزه با آن را بسیار دشوار می‌سازد. یکی از این عوامل، ضعف فاحش در فرهنگ اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری در بین کارکنان بانک‌هاست. فقدان حس مسئولیت‌پذیری و عدم رعایت قوانین و مقررات از سوی برخی کارکنان، زمینه را برای سوءاستفاده از موقعیت و اختیارات فراهم می‌آورد. این موضوع به‌ویژه در مواردی که سیستم‌های کنترل داخلی بانک‌ها ضعف دارند و سازوکارهای نظارتی به درستی عمل نمی‌کنند، خطرناک‌تر است. نفوذ سیاسی و رانت‌خواری نیز از عوامل مهم در گسترش فساد بانکی است. در مواردی، افراد و گروه‌های خاص با استفاده از روابط سیاسی و نفوذ خود می‌توانند تسهیلات بانکی را بدون رعایت ضوابط و مقررات دریافت کنند. این موضوع به ایجاد فضای ناعادلانه و غیررقابتی در نظام بانکی منجر می‌شود و زمینه را برای سوءاستفاده از منابع مالی فراهم می‌آورد. کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده در نظام بانکی نیز از عوامل

سازوکارهای کنترل و نظارت کافی، زمینه را برای سوءاستفاده و فساد فراهم می‌آورد. این اختیارات می‌تواند شامل تصمیم‌گیری‌های مستقل در موارد مختلف مانند اعطای وام‌های کلان، تغییر وضعیت تراکنش‌ها، تأیید اسناد و مدارک و حتی دست‌کاری در اطلاعات مشتریان باشد. این اختیارات برای تسریع و تسهیل فرایندهای بانکی ضروری است، اما بدون سازوکارهای کنترل و نظارت کافی می‌تواند به ابزاری برای سوءاستفاده تبدیل شود. نبود سیستم‌های نظارتی کارآمد و به‌روز مانند سیستم‌های هشداردهنده و سیستم‌های مدیریت ریسک پیشرفته، این مشکل را تشدید می‌کند. همچنین، نبود مجازات بازدارنده برای تخلفات شعبه‌ها و کارکنان آن‌ها، به افزایش موارد فساد مالی منجر می‌شود. در صورتی که مجازات اعمال‌شده برای سوءاستفاده از اختیارات کافی نباشد، کارکنان شعب بانک‌ها به راحتی می‌توانند از این اختیارات برای کسب منفعت شخصی یا گروهی سوءاستفاده کنند. این موضوع به‌ویژه در مواردی که شعب بانک‌ها در مناطق دورافتاده و با نظارت کمتر قرار دارند، خطرناک‌تر است (Barry et al, 2015). برای مثال، در برخی موارد، شعب بانک‌ها با تغییر غیرقانونی در اطلاعات تراکنش‌ها، حذف تعهدات مشتریان یا جعل اسناد و مدارک، به اختلاس و سوءاستفاده از منابع بانکی پرداخته‌اند. این اقدامات اغلب با همدستی برخی کارکنان شعب یا با استفاده از خلأهای نظارتی انجام می‌شود. بنابراین، کاهش اختیارات بی‌ضابطه شعب بانک‌ها، تقویت سیستم‌های نظارتی و اعمال مجازات بازدارنده برای



۳- پیامدهای فساد بانکی در ایران

فساد مالی در نظام بانکی به عنوان یکی از ارکان حیاتی اقتصاد هر کشور، پیامدهای گسترده و مخربی بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی دارد. این پدیده نه تنها به هدر رفتن منابع مالی و اختلال در تخصیص بهینه منابع منجر می شود، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای مالی و حتی کل نظام سیاسی را نیز تضعیف می کند. مطالعات متعدد اقتصادی و اجتماعی، ارتباط مستقیم بین فساد مالی و کاهش رشد اقتصادی، افزایش نابرابری ها و بی ثباتی سیاسی و اجتماعی را به اثبات رسانده اند (Abdel-Latif et al, 2018; Adamaagashi, 2024; Ghalwash, 2014; Islam et al, 2022; Kuzmenko et al, 2018).

در ایران به عنوان کشوری که با چالش های اقتصادی متعددی مواجه است، فساد بانکی ابعاد بحرانی تری به خود گرفته و پیامدهای آن به طور فراگیر بر تمام زمینه های زندگی اجتماعی و اقتصادی تأثیر گذاشته است. این پدیده با ایجاد عدم شفافیت و بی اعتمادی، موانع قابل توجهی را در مسیر رشد اقتصادی و توسعه ایجاد کرده و به کاهش سرمایه گذاری های داخلی و خارجی منجر شده است. در این قسمت، پیامدهای فساد بانکی در ایران بررسی و تأثیرات مخرب آن بر مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحلیل می شود. با توجه به اهمیت این موضوع و پیامدهای جدی آن، شناخت عمیق پیامدهای فساد بانکی برای ارائه راهکارهای مؤثر در مبارزه با این پدیده ضروری است.

مهم در گسترش فساد است. فقدان نیروی انسانی کافی و متخصص در زمینه های مختلف بانکی می تواند به کاهش کارایی و افزایش فرصت های فساد بینجامد. همچنین، عدم آموزش کافی کارکنان در زمینه قوانین و مقررات بانکی و روش های پیشگیری از فساد به افزایش موارد سوءاستفاده منجر می شود. عدم دسترسی عمومی به اطلاعات مالی بانک ها، شفافیت را کاهش می دهد و زمینه را برای فساد فراهم می کند. فقدان شفافیت در گزارش دهی مالی بانک ها و نبود سازوکارهای شفاف برای نظارت بر عملکرد آنها به افزایش فرصت های فساد می انجامد. همچنین، نبود سازوکارهای قوی برای گزارش دهی تخلفات و عدم پیگیری قاطع و به موقع تخلفات شناسایی شده، به گسترش فساد مالی در نظام بانکی کمک می کند. در نهایت، ضعف در سیستم های کنترل داخلی بانک ها و نبود سیستم های مدیریت ریسک کارآمد به افزایش آسیب پذیری نظام بانکی در برابر فساد مالی می انجامد. بنابراین، مبارزه با فساد بانکی نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی است که تمام این عوامل را در نظر بگیرد.

دو پرونده شاخص این دوره، اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردتومانی و فساد مالی چای دیش، به خوبی نشان می دهند که چگونه شبکه های فساد از خلأهای قانونی و ارتباطات خود در بدنه نظام بانکی و اجرایی کشور سوءاستفاده کرده اند.

۳-۱- کاهش اعتماد عمومی

فساد در نظام بانکی به عنوان عامل مخرب و تضعیف کننده اعتماد عمومی، پیامدهای منفی و گسترده ای بر عملکرد و کارایی این نظام دارد. بانکها به عنوان نهادهای واسطه بین مردم و نظام اقتصادی، نقش کلیدی در تسهیل مبادلات مالی و تخصیص منابع ایفا می کنند. اعتماد عمومی به این نهادها اساسی ترین رکن برای حفظ ثبات و کارایی نظام بانکی است. کاهش این اعتماد، پیامدهای منفی و جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت. فساد بانکی با افشای موارد اختلاس، پول شویی، اعطای تسهیلات غیرقانونی و دیگر جرائم مالی، به طور مستقیم اعتماد مردم به نظام بانکی را تضعیف می کند. وقتی مردم شاهد سوءاستفاده از منابع مالی و فقدان شفافیت در فعالیت های بانکی باشند، اعتماد خود را به این نهادها از دست می دهند و تمایل به نگهداری سپرده ها در بانکها کاهش می یابد. این کاهش اعتماد می تواند به کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی منجر شود. همچنین، کاهش اعتماد به نهادهای دولتی و سیستم سیاسی را به دنبال خواهد داشت. افزون بر این، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی به افزایش هزینه های معاملات مالی و کاهش کارایی بازار مالی منجر می شود. در محیط غیرشفاف و فاقد اعتماد، هزینه های نظارت و کنترل افزایش می یابد و هزینه های معاملات مالی نیز بالا می رود. این موضوع به کاهش رقابت و رشد اقتصادی منجر می شود. همچنین، کاهش اعتماد به کاهش سرمایه گذاری خارجی و فرار مغزها منجر می شود. سرمایه گذاران خارجی به دنبال محیط شفاف

و قابل پیش بینی برای سرمایه گذاری هستند. فساد بانکی این محیط را تضعیف و سرمایه گذاران خارجی را از سرمایه گذاری در کشور منصرف می کند. کاهش سرمایه گذاری خارجی به کاهش رشد اقتصادی و ایجاد مشکلات اقتصادی دیگر منجر می شود. بنابراین، مبارزه با فساد بانکی و بازگرداندن اعتماد عمومی به این نظام از اهمیت بسیار زیادی برای رشد اقتصادی و توسعه کشور برخوردار است.

۳-۲- هدررفت منابع مالی

فساد در نظام بانکی ایران به عنوان یکی از مهم ترین چالش های اقتصادی و اجتماعی موجب هدر رفتن منابع مالی کشور می شود. این هدر رفتن منابع ابعاد گسترده ای دارد و تأثیرات منفی آن بر تمام زمینه های زندگی اجتماعی و اقتصادی مشهود است. اختلاس، پول شویی، اعطای تسهیلات غیرقانونی و دیگر جرائم مالی در نظام بانکی، به هدر رفتن میلیاردها تومان از منابع مالی منجر شده است که می توانست برای سرمایه گذاری در طرح های مولد و توسعه ای استفاده شود. این هدر رفتن منابع به طور مستقیم به کاهش کارایی اقتصادی می انجامد. منابعی که می توانست در طرح های مولد و تولیدی سرمایه گذاری شود، در نتیجه فساد بانکی به فعالیت های غیرمولد و غیرقانونی اختصاص می یابد. این موضوع به کاهش بازده سرمایه گذاری ها، کاهش رشد اقتصادی و کاهش رقابت پذیری اقتصاد کشور می انجامد. به عبارت دیگر، منابع محدود اقتصادی به جای آنکه برای افزایش تولید و ثروت ملی به کار برده شود، در فعالیت های غیرمولد هدر می رود. این موضوع به کاهش سطح





متخلفان و ارتقای فرهنگ اخلاق حرفه‌ای در نظام بانکی باشد.

۳-۳- تأثیر بر سیاست‌های پولی و اقتصادی

فساد نظام بانکی به عنوان عاملی مخرب در اقتصاد ملی، تأثیرات منفی و گسترده‌ای بر سیاست‌های پولی و اقتصادی اعمال می‌کند و منجر به بی‌ثباتی و اختلال در عملکرد اقتصادی می‌شود. سوءاستفاده از منابع بانکی و تخصیص غیرقانونی اعتبارات، چالش‌های اساسی را برای بانک مرکزی و دولت در تنظیم سیاست‌های مالی ایجاد می‌کند. این موضوع از طریق چندین سازوکار به بروز پیامدهای منفی می‌انجامد. اولاً، فساد بانکی افزایش تورم را به دنبال دارد. تخصیص غیرقانونی منابع و افزایش نقدینگی بدون افزایش متناسب در تولید، به افزایش تقاضای کل و در نتیجه، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود. تورم بالا، قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد، سطح زندگی را پایین می‌آورد و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی دولت را با چالش مواجه می‌کند؛ ضمن اینکه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را نیز تضعیف می‌کند. ثانیاً، فساد بانکی به کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود. خروج سرمایه ناشی از عدم اطمینان و سوءاستفاده از منابع، تقاضا برای ارزهای خارجی را افزایش و ارزش پول ملی را در برابر ارزهای بین‌المللی کاهش می‌دهد. این موضوع هزینه‌های واردات را افزایش می‌دهد، تورم را تشدید می‌کند و سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل عدم اطمینان به ثبات اقتصادی و شفافیت، رشد اقتصادی

زندگی مردم می‌انجامد. افزون‌براین، فساد بانکی به از دست رفتن منابع مورد نیاز برای توسعه زیرساخت‌ها و طرح‌های ملی منجر می‌شود. منابعی که می‌توانست برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند انرژی، نفت، گاز، آب، راه‌ها و دیگر زیرساخت‌ها استفاده شود، در نتیجه فساد به هدر می‌رود. این موضوع به کاهش سرعت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و ایجاد مشکلات متعدد در زمینه‌های مختلف منجر می‌شود. برای مثال، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مناسب می‌تواند به کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد کشور و کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی منجر شود. همچنین، هدر رفتن منابع مالی در نتیجه فساد بانکی، به طور مستقیم به افزایش نابرابری‌های اجتماعی می‌انجامد. در مواردی، این منابع به طور غیرقانونی به نفع گروه‌های خاص و افراد نفوذی استفاده می‌شود که این موضوع به افزایش شکاف میان ثروتمندان و فقرا و تشدید نابرابری‌ها می‌انجامد. این نابرابری‌ها می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی و افزایش تنش‌های اجتماعی بینجامد. همچنین، می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به نظام سیاسی و اقتصادی کشور منجر شود. در نتیجه، مبارزه با فساد بانکی و پیشگیری از هدر رفتن منابع مالی، از اهمیت بسیار زیادی برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی کشور برخوردار است. این موضوع نیازمند رویکرد جامع و هماهنگی است که تمام ابعاد این مشکل را در نظر بگیرد. این رویکرد باید شامل تقویت سازوکارهای نظارتی، شفاف‌سازی فعالیت‌های بانکی، اعمال مجازات بازدارنده برای



داشته باشد. همان‌طور که اشاره شد، این فساد با ایجاد بی‌اعتمادی، اختلال در تخصیص منابع و افزایش ریسک‌های مالی، به‌طور جدی ثبات و پایداری اقتصادی را تهدید می‌کند. در ادامه این بحث، به بررسی ابعاد مختلف تأثیر فساد بانکی بر امنیت اقتصادی کشور پرداخته می‌شود. این بررسی شامل تحلیل عمیق تأثیر فساد بر امنیت اقتصادی، افزایش ریسک‌های مالی و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن و نیز ملاحظات دیگری مانند تضعیف حاکمیت اقتصادی، کاهش اعتماد عمومی، افزایش هزینه‌های تراکنش، محدودیت دسترسی به منابع مالی، فرار سرمایه و درنهایت، تهدید بالقوه امنیت ملی خواهد بود. هدف از این بررسی، ارائه تصویری روشن از چگونگی ارتباط فساد بانکی با امنیت اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای مقابله با این چالش اساسی است. با شناخت دقیق این ارتباط، می‌توان گام‌های مؤثرتری در راستای تقویت امنیت اقتصادی و ایجاد ثبات و پایداری در اقتصاد ملی برداشت.

۴-۱- تأثیر فساد بانکی بر امنیت اقتصادی کشور

فساد نظام‌مند در نظام بانکی به‌عنوان تهدیدی چندوجهی، امنیت اقتصادی ملی را به مخاطره می‌اندازد. این تهدید فراتر از اتلاف مستقیم منابع مالی، به تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد بی‌اعتمادی گسترده می‌انجامد. سوءاستفاده از منابع بانکی نه‌تنها به کاهش مستقیم سرمایه‌های قابل تخصیص برای توسعه و رفاه عمومی منجر می‌شود، بلکه چرخه‌ای معیوب از فقدان شفافیت و بی‌اعتمادی را تقویت می‌کند. این بی‌اعتمادی به کاهش

را محدود می‌کند و می‌تواند به فرار مغزها نیز بینجامد. ثالثاً، فساد بانکی بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید می‌کند. عدم شفافیت و سوءمدیریت ناشی از فساد، اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را کاهش می‌دهد و به کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. این بی‌ثباتی می‌تواند به افزایش فقر و بیکاری نیز بینجامد. درنتیجه، مبارزه با فساد بانکی و ایجاد شفافیت در فعالیت‌های مالی برای ثبات و رشد اقتصادی پایدار از اهمیت حیاتی برخوردار است. این موضوع نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ با تمرکز بر تقویت نهادهای نظارتی، شفاف‌سازی فرایندهای بانکی، اعمال مجازات بازدارنده و ارتقای فرهنگ اخلاق حرفه‌ای در نظام بانکی است.

۴-۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی ستون فقرات هر جامعه پویا و روبه‌رشد است. این مفهوم فراتر از صرفاً ثبات اقتصادی و رشد تولید ناخالص داخلی و به معنای حفاظت از منابع ملی، تضمین دسترسی عادلانه به فرصت‌های اقتصادی و ایجاد محیطی پابست و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری و تجارت است. امنیت اقتصادی بستر لازم را برای رفاه اجتماعی، کاهش فقر و پیشرفت پایدار فراهم می‌آورد، اما این امنیت شکننده است و می‌تواند به‌راحتی با عوامل مختلف از جمله فساد به خطر بیفتد. فساد به‌ویژه در بخش بانکی که قلب تپنده اقتصاد هر کشور شمرده می‌شود، می‌تواند پیامدهای ویرانگری برای امنیت اقتصادی





سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌انجامد؛ زیرا سرمایه‌گذاران در محیط‌هایی با حاکمیت ضعیف قانون و فقدان شفافیت، تمایل به پذیرش ریسک‌های بالاتر را ندارند. در نتیجه، رشد اقتصادی کند و کشور در برابر شوک‌های اقتصادی خارجی آسیب‌پذیرتر می‌شود. افزون‌براین، فساد بانکی به ناکارآمدی و عدم اعتماد به سیستم بانکی می‌انجامد. بانک‌های درگیر در فساد نمی‌توانند به‌طور مؤثر در تخصیص منابع و تسهیل جریان‌های مالی عمل کنند. این موضوع به اختلال در عملکرد بازارهای مالی، افزایش هزینه‌های تراکنش و در نهایت، کاهش کارایی کل اقتصاد منجر می‌شود. همچنین، فساد بانکی ریسک‌های نظام‌مند در سیستم مالی را افزایش می‌دهد که به بحران‌های مالی گسترده و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ویرانگر منجر می‌شود. در چنین شرایطی، توانایی دولت در مدیریت اقتصاد، حفظ ثبات و ارائه خدمات عمومی به‌شدت کاهش می‌یابد. در نهایت، فساد بانکی با تضعیف حاکمیت قانون و نهادهای نظارتی، به ایجاد محیط اقتصادی پیش‌بینی‌ناپذیر و ناامن می‌انجامد که امنیت اقتصادی ملی را به‌طور جدی به خطر می‌اندازد. این موضوع نه تنها به کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر می‌انجامد، بلکه به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی نیز منجر می‌شود. بنابراین، مقابله با فساد بانکی ضرورت اساسی برای تضمین امنیت اقتصادی پایدار و توسعه ملی است.

۴-۲- افزایش ریسک‌های مالی و بحران‌های اجتماعی

فساد در نظام بانکی به‌عنوان کاتالیزوری برای افزایش ریسک‌های مالی و تشدید بحران‌های

اجتماعی عمل می‌کند. این تأثیر مخرب، از طریق چندین سازوکار پیچیده و مرتبط به هم بروز می‌یابد. اولاً، فساد، شفافیت و پاسخ‌گویی در سیستم مالی را تضعیف می‌کند. فقدان شفافیت در ترازنامه‌ها، امور مالی و فرایندهای تصمیم‌گیری، ارزیابی ریسک را دشوار می‌کند و به افزایش احتمال بروز بحران‌های مالی منجر می‌شود. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در محیطی با عدم شفافیت، با فقدان قطعیت و ریسک‌های بالاتر مواجه می‌شوند که به کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ بهره منجر می‌شود. ثانیاً، فساد بانکی به سوءمدیریت منابع و تخصیص ناکارآمد سرمایه‌ها می‌انجامد. وقتی منابع مالی به‌جای تخصیص به طرح‌های مولد و سودآور به طرح‌های غیرمولد یا به‌صورت غیرقانونی به اشخاص خاص تخصیص می‌یابند، ریسک‌های مالی افزایش و بازده اقتصادی کاهش می‌یابد. این موضوع به ورشکستگی بانک‌ها، کاهش ارزش دارایی‌ها و در نهایت، به بحران مالی گسترده‌ای منجر می‌شود. ثالثاً، فساد بانکی، اعتماد عمومی به سیستم مالی را تضعیف می‌کند. وقتی مردم شاهد سوءاستفاده از منابع عمومی و عدم شفافیت در فعالیت‌های بانکی هستند، اعتماد خود را به سیستم مالی از دست می‌دهند. این بی‌اعتمادی به کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش رشد اقتصادی و افزایش بی‌ثباتی اقتصادی منجر می‌شود. همچنین، بی‌اعتمادی به سیستم مالی می‌تواند به افزایش نابرابری‌های اجتماعی و تشدید بحران‌های اجتماعی منجر شود. وقتی مردم به سیستم مالی اعتماد ندارند، به دنبال راه‌های



سوءاستفاده از منابع بانکی و تخصیص غیرقانونی اعتبارات، چالش‌های اساسی را برای بانک مرکزی و دولت در تنظیم سیاست‌های مالی ایجاد می‌کند. این موضوع از طریق چندین سازوکار به بروز پیامدهای منفی می‌انجامد.

۴-۴- تهدید امنیت ملی

فساد نظام‌مند در نظام بانکی به عنوان تهدید چندوجهی و پنهان، امنیت ملی را به شیوه‌های مختلف و با شدت‌های متفاوت به مخاطره می‌اندازد. این تهدید، فراتر از پیامدهای اقتصادی صرف، به زیرساخت‌های امنیتی کشور و ثبات سیاسی آن آسیب می‌زند. یکی از مهم‌ترین ابعاد این تهدید، تأمین مالی تروریسم و فعالیت‌های مجرمانه است. ساختار پیچیده و بین‌المللی سیستم بانکی در صورت وجود فساد، به پناهگاهی برای پول‌شویی، تأمین مالی گروه‌های تروریستی و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی تبدیل می‌شود. فقدان شفافیت و ضعف نظارت، شناسایی و پیگیری این جریان‌های مالی غیرقانونی را دشوار می‌کند و به افزایش قدرت و نفوذ گروه‌های تروریستی و شبکه‌های مجرمانه بین‌المللی می‌انجامد. این موضوع به‌طور مستقیم امنیت داخلی و خارجی کشور را تهدید می‌کند و به وقوع حملات تروریستی، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و اختلال در نظم عمومی منجر می‌شود. افزون‌براین، فساد بانکی به تضعیف حاکمیت دولت و کاهش مشروعیت آن می‌انجامد. وقتی مردم شاهد

جایگزین برای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز خود هستند که به بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. درنهایت، فساد بانکی می‌تواند به افزایش هزینه‌های تراکنش و کاهش کارایی اقتصادی منجر شود. وقتی افراد برای معاملات مالی مجبور به پرداخت رشوه هستند، هزینه‌های تراکنش افزایش می‌یابد که به کاهش کارایی اقتصادی و رقابت‌پذیری می‌انجامد. این کاهش کارایی می‌تواند به افزایش بیکاری، کاهش درآمد و درنهایت، افزایش تنش‌های اجتماعی منجر شود.

۴-۳- ضعف حاکمیت اقتصادی

فساد بانکی حاکمیت اقتصادی را از طریق انحراف سیاست‌های اقتصادی و تضعیف ظرفیت نهادی دولت در نظارت و تنظیم اقتصاد تضعیف می‌کند. وقتی تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی تحت تأثیر فساد و رانت‌خواری قرار می‌گیرند، منابع به جای تخصیص به طرح‌های مولد و با اولویت ملی به سمت طرح‌های غیرمولد یا منافع گروه‌های خاص سرازیر می‌شوند. این انحراف به اتلاف منابع، کاهش کارایی و تضعیف حاکمیت اقتصادی می‌انجامد. هم‌زمان، نفوذ فساد در نهادهای نظارتی، توانایی دولت در نظارت مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی و اعمال مقررات را کاهش می‌دهد. این موضوع به افزایش ریسک‌های نظام‌مند، کاهش شفافیت و بی‌ثباتی اقتصادی می‌انجامد. درنتیجه، دولت نمی‌تواند از منافع ملی دفاع و از سوءاستفاده از منابع عمومی جلوگیری کند که به کاهش اعتماد عمومی و تضعیف بیشتر حاکمیت اقتصادی می‌انجامد.





شفاف‌سازی فرایندهای بانکی و اعمال مجازات بازدارنده است.

فساد نظام‌مند در نظام بانکی به‌عنوان تهدیدی چندوجهی، امنیت اقتصادی ملی را به مخاطره می‌اندازد. این تهدید فراتر از اتلاف مستقیم منابع مالی، به تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد بی‌اعتمادی گسترده می‌انجامد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

فساد بانکی در ایران، پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده با ریشه در عوامل ساختاری، سیاسی و اقتصادی است. تجربه تلخ پرونده‌های فساد مالی بزرگ (مانند اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی، ۳ هزار میلیارد تومانی و فساد ۴/۳ میلیارد دلاری چای دیش) نشان می‌دهد که راهکارهای سستی کافی نیستند. این پرونده‌ها ضعف‌های ساختاری در سیستم بانکی، فقدان شفافیت، نقص در سیستم‌های نظارتی و شبکه‌های پیچیده فساد را آشکار می‌کنند. فساد بانکی اغلب نتیجه همکاری بین صاحبان نفوذ، مدیران بانکی و شبکه‌های مالی مخفی است. بنابراین، راهکارهای مؤثر باید بر تقویت حاکمیت شرکت‌ها، شفافیت مالی کامل، نظارت مستقل و قوی، پاسخ‌گویی مسئولان و بهبود فرهنگ مبارزه با فساد متمرکز باشد. برای مقابله مؤثر با فساد بانکی، رویکردی جامع و چندبعدی ضروری است که شامل موارد زیر می‌شود.

- تقویت ساختارهای نظارتی و حسابرسی اعم از:

سوءاستفاده از منابع عمومی و عدم شفافیت در فعالیت‌های بانکی هستند، اعتماد خود را به دولت از دست می‌دهند. این بی‌اعتمادی می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، افزایش نارضایتی عمومی و در نهایت، افزایش احتمال شورش‌ها و اعتراضات منجر شود. در چنین شرایطی، دولت با چالش‌های جدی در حفظ نظم و امنیت روبه‌رو می‌شود و توانایی آن در تأمین امنیت ملی به شدت کاهش می‌یابد. همچنین، فساد بانکی به وابستگی اقتصادی کشور به قدرت‌های خارجی منجر می‌شود. وقتی منابع مالی کشور به‌طور غیرقانونی به خارج از کشور منتقل می‌شود، وابستگی اقتصادی کشور به قدرت‌های خارجی افزایش می‌یابد که این موضوع امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. این وابستگی می‌تواند به نفوذ قدرت‌های خارجی در امور داخلی کشور منجر شود و استقلال و حاکمیت ملی را تضعیف کند. در نهایت، فساد بانکی به کاهش توانایی دفاعی کشور منجر می‌شود. وقتی منابع مالی کشور به‌طور غیرقانونی به خارج از کشور منتقل می‌شود یا در طرح‌های غیرمولد هزینه می‌شود، بودجه اختصاص‌یافته به بخش دفاعی کاهش می‌یابد. این موضوع توانایی کشور را در دفاع از خود کاهش می‌دهد. این کاهش توانایی دفاعی، کشور را در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیرتر می‌کند و امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. بنابراین، مبارزه با فساد بانکی نه تنها ضرورتی اقتصادی، بلکه ضرورتی امنیتی است که برای حفظ ثبات، امنیت و استقلال ملی از اهمیت حیاتی برخوردار است. این مبارزه نیازمند رویکرد جامع و هماهنگ با تمرکز بر تقویت نهادهای نظارتی،



- استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات¹ اعم از:

- پیاده سازی سیستم های الکترونیکی قراردادها با استفاده از امضای دیجیتال و سیستم های مدیریت اسناد الکترونیکی.
- به کارگیری سیستم های مدیریت ریسک مبتنی بر فناوری برای شناسایی الگوهای مشکوک.
- ارتقای امنیت سیستم های بانکی با استفاده از فناوری های نوین امنیت اطلاعات.
- استفاده از سامانه های پرداخت الکترونیکی امن و کارآمد.

- رویکرد مبتنی بر ریسک اعم از:

- ارزیابی تمام جنبه های فعالیت های بانکی از نظر احتمال وقوع فساد.
- طراحی و اجرای برنامه های مدیریت ریسک مناسب برای مناطق پرریسک.
- نظارت هدفمند بر فعالیت های پرریسک با استفاده از فناوری های نوین.

- تقویت فرهنگ اخلاق و مبارزه با فساد اعم از:

- آموزش و فرهنگ سازی در زمینه اخلاق حرفه ای و مبارزه با فساد برای کارکنان بانک ها و عموم مردم.
- شفاف سازی قوانین و مقررات در زمینه مبارزه با فساد بانکی.
- ایجاد سازوکارهای حمایتی از گزارش دهندگان تخلفات مالی.
- آموزش مداوم و به روزرسانی کارکنان بانک ها در مورد قوانین و مقررات جدید، روش های نوین فساد مالی و تکنیک های پیشگیری از آن.

- ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و قدرتمند بدون وابستگی سیاسی یا اقتصادی.
- اعطای اختیارات کافی به نهادهای نظارتی برای بازرسی، تحقیق و اعمال مجازات سخت گیرانه.
- تقویت سیستم های حسابرسی داخلی و خارجی بانک ها با رعایت استانداردهای بین المللی.
- شفاف سازی فرایندهای بانکی و مستندسازی کامل فعالیت های مالی.

- استفاده از فناوری های نوین مانند هوش مصنوعی و داده کاوی برای شناسایی الگوهای مشکوک.
- افزایش مسئولیت پذیری مدیران بانکی و اعمال مجازات سخت گیرانه در صورت تخلف.
- پیاده سازی سیستم نظارت همتابه همتا با شاخص های مشخص، فرایندهای شفاف و سازوکارهای پاسخ گویی قوی.

- افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات اعم از:

- انتشار به موقع و دقیق اطلاعات مالی بانک ها به صورت عمومی (با رعایت محدودیت های قانونی در خصوص حریم خصوصی).
- ایجاد سامانه های گزارش دهی الکترونیکی امن و قابل اعتماد برای گزارش دهی تخلفات.
- شفاف سازی قوانین و مقررات بانکی و برطرف کردن ابهامات و خلأهای قانونی.
- به کارگیری فناوری بلاک چین برای افزایش شفافیت تراکنش های مالی (با در نظر گرفتن چالش های فنی و امنیتی).



<https://doi.org/10.22059/ppolicy.2018.67865>

- سراج، ناصر (۱۴۰۰). «جرائم اقتصادی سازمان یافته و تأثیر آن بر نظام اقتصادی کشور (مطالعه موردی: پرونده فساد بانکی سه هزار میلیارد تومانی)». فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۱)، ۵۵-۸۲

<https://doi.org/10.22034/law.2021.531125.1079>

- شکوهی فرد، سیامک؛ آل عمران، رؤیا؛ رحیم زاده، فرزاد؛ و فرهنگ، امیرعلی (۱۳۹۹). بررسی آثار فساد بر سهولت انجام کسب و کار (شواهدی از ایران و کشورهای منتخب اسلامی). اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ۲۷(۱۹)، ۱۳۲-۱۰۳

<https://doi.org/10.22067/erd.2021.18767.0>

- عزیزی، آریا (۱۳۹۸). نقش مدیران بانک‌ها در پیشگیری از فساد اقتصادی در نظام بانکداری اسلامی. ایران، تهران: همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی.

- غنی‌نژاد، موسی (۱۴۰۲). خط بی‌پایان فساد. روزنامه دنیای اقتصاد.

- کریمی وردجانی، رضا؛ حسن‌زاده سروستانی حسین؛ قوام، محمدحسین؛ و غفاری، امیر (۱۳۹۹). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۱)، ۳۷۷-۴۱۰

<https://doi.org/10.30497/ifr.2020.75396>

- مداح، مجید؛ و پرینان، ندا (۱۳۹۹). نقش فساد اقتصادی در افزایش مطالبات معوق بانکی. مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۵(۳)، ۱۲۱-۱۳۹

<https://doi.org/10.22075/jem.2020.19961.1444>

- همکاری بین‌المللی با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دیگر در زمینه مبارزه با پول‌شویی و فساد مالی.

- ارزیابی‌های مستقل و دوره‌ای از اثربخشی طرح مبارزه با فساد بانکی توسط نهادهای متخصص و بی‌طرف.

- حمایت از رسانه‌ها و افکار عمومی از طریق اطلاع‌رسانی شفاف و مستمر در مورد اقدامات انجام‌شده و نتایج حاصل از آن‌ها.

بنابراین، مبارزه با فساد بانکی نیازمند رویکرد جامع و هماهنگی است که تمام ابعاد این مسئله را در نظر بگیرد. اجرای هم‌زمان و مؤثر این راهکارها با حمایت قاطعانه دولت و همکاری همه نهادهای درگیر می‌تواند به کاهش قابل توجه فساد بانکی و تقویت امنیت اقتصادی کشور کمک کند. بدون توجه به تمام این ابعاد، مبارزه با فساد بانکی به‌طور مؤثر امکان‌پذیر نخواهد بود.

منابع

- چشمی، علی و حبیب حبیبی نیکجو (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی اصلاح نهادهای رسمی بانکداری در ایران پس از انقلاب. پژوهش‌نامه اقتصادی، ۱۷(۶۴)، ۱۳۱-۱۷۰

<https://doi.org/10.22054/joer.2017.7671>

- حسین پور، داوود؛ معدنی، جواد؛ شریف‌زاده، فتاح؛ و محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۷). تدوین چهارچوب خط‌مشی‌گذاری تعاملی برای مبارزه با پول‌شویی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران. سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۲)، ۹-۳۲



- 102-117 (<https://doi.org/10.52821/2789-4401-2024-1-102-117>)
- Barry, T., Lepetit, L., & Strobel, F. (2015). Bank Ownership Structure, Lending Corruption and the Regulatory Environment. *Journal of Comparative Economics, Forthcoming*, 44 (3), 732-751 (<https://doi.org/10.1016/j.jce.2015.08.003>).
- Bidabad, B., & Sherafati, M. (2019). Bank Information Disclosure, Financial Transparency and Corporate Governance in Rastin Banking. *International Journal of Shari'ah and Corporate Governance Research*, 2(1), 1-13 (<https://doi.org/10.46281/ijscgr.v2i1.257>).
- Bologna, J & Shaw, P. (2000). Preventing Corporate Embezzlement. Publisher: Butterworth-Heinemann. May 11, 2000, United Kingdom (<https://www.amazon.com/Preventing-Corporate-Embezzlement-Paul-Shaw/dp/0750672544>).
- Christinawati, M., & Setiyawati, H. (2022). Factors Affecting Banking Fraud Prevention and Their Impact on The Quality of Financial Statements. *International Journal of Social Science and Business*, 6 (2), 215-224 (<https://doi.org/10.23887/ijssb.v6i2.46538>).
- مؤمنی، فرشاد؛ و حاجی نوروژی، شیما (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد. پژوهش نامه اقتصادی، ۱۷ (۶۷)، ۲۵۲-۲۲۱
<https://doi:10.22054/joer.2018.8568>
- Abdel-Latif, H., Elgohari, H., & Mohamed, A. A.-H. (2018). Corruption, political instability and growth: Evidence from the Arab Spring. *Social Science Research Network*, 21 (2), 48-67 (<https://doi.org/10.2139/SSRN.3240211>).
- Adamaagashi, I. A. (2024). The impact of the fight against corruption on Nigeria's economy: A case study of the Economic and Financial Crime Commission. *International Journal of Social Sciences and Management Research*, 9(8), 153-181 (<https://doi.org/10.56201/ijssmr.v9.no8.2023.pg153.181>).
- Afjal, M., Salamzadeh, A., & Dana, L. P. (2023). Financial fraud and credit risk: Illicit practices and their impact on banking stability. *Journal of Risk and Financial Management*, 16(9), 386 (<https://doi.org/10.3390/jrfm16090386>).
- Aitzhanova, B. E., Oralbayeva, Zh. Z., & Zhanibekova, G. K. (2024). The impact of corruption on the economic activity of the country. *Central Asian Economic Review*, 1,



- Kasie, E. G., & Akujinma, A. F. (2022). Fraud and its effect on banking industry: a study of selected banks in nigeria. *International Journal of Social Sciences...*, 05(04), 13-25. <https://doi.org/10.37602/ijssmr.2022.5402>
- Kuzmenko, O., Drozd, O., & Chorna, V. (2018). Financial control as a means of countering economic corruption in Ukraine. *Baltic Journal of Economic Studies*, 4, 233–237. <https://doi.org/10.30525/2256-0742/2018-4-4-233-237>
- Li Roy, Y. (2025). The impact of corruption on bank credit risk in selected Sub-Saharan Africa. *International Journal of Law and Politics Studies*, 7(1), 1–7 (<https://doi.org/10.32996/ijlps.2025.7.1.1>).
- Monalisha, R.A., & Vaishali, T. (2024). Banking Fraud Identification and Prevention. *International Journal for Multidisciplinary Research*, 6(6), 1-16 (<https://doi.org/10.36948/ijfmr.2024.v06i06.31820>).
- Pratiwi, I. R., & Abdullah, S. (2024). Comprehensive evaluation of law enforcement against embezzlement due to position: Case study: Decision
- Dote-Pardo, J., & Severino-González, P. (2025). Economic and financial crimes: Evidence from the literature in emerging markets. *Journal of Money Laundering Control*, 28(1), 1–7 (<https://doi.org/10.1108/jmlc-07-2024-0120>).
- Ghalwash, T. (2014). Corruption and economic growth: Evidence from Egypt. *Modern Economy*, 5(10), 1001–1009 (<https://doi.org/10.4236/ME.2014.510092>).
- Hamja, H. (2024). Understanding economic crimes: Unveiling the world of white-collar offenses. *Jurnal Pembaharuan Hukum*, 11(3), 488–497 (<https://doi.org/10.26532/jph.v11i3.39908>).
- Haykal, H., Seftiadi, Y., Beltsazar, G., Khaerani, S., & Syifa, J. (2024). Qualifications and legal enforcement of money cheating and money game actions in banking transactions from the perspective of banking laws. *Journal of Law, Politic and Humanities*, 4(6), 2181–2191 (<https://doi.org/10.38035/jlph.v4i6.641>).
- Islam, K. N., Parvin, T., & Biswas, M. H. A. (2022). Dynamic optimization applied to a criminological model for reducing the spread of societal corruption. *Khulna University Studies*. 832-844 (<https://kus.ku.ac.bd/kustudies/article/view/908>).



- theories. *International Journal of Innovative Science and Research Technology*, 1291–1294 (<https://doi.org/10.38124/ijisrt/ijisrt24aug1428>).
- Siregar, F. A. (2023). Penerapan hukum tindak pidana korupsi dalam perbankan. *Jurnal Hukum, Politik dan Ilmu Sosial*, 2 (1), 236-252 (<https://doi.org/10.55606/jhps.v2i1.1457>).
- Tirumalaraju, N. (2024). Analyzing the fraud tendency in the Indian Banking sector. *Journal of Management Research and Analysis*. 11 (3), 168-175 (<https://doi.org/10.18231/j.jmra.2024.028>).
- Yilmaz, E. A. (2024). Etik Problem Olarak Yolsuzluk, Nedenleri ve Yolsuzluğa Karşı Alınabilecek Önlemler. *Sosyal Araştırmalar ve Davranış Bilimleri*, 10(22), 36-50. (<https://doi.org/10.52096/jsrbs.10.22.03>).
- Хаванов, А. (2024). The influence of corruption on the economic security of the state: An analysis of behavioral factors and their economic consequences. *Бизнес-навигатор*, 4(77) 19-77 (<https://doi.org/10.32782/business-navigator>).
- 315/Pid.B/2023/Pn. *Gsk. Journal of Law, Politics and Humanities*, 4(6), 2160–2166 (<https://doi.org/10.38035/jlph.v4i6.655>).
- Prawesthi, W., & Khoidin, M. (2023). The implementation of material criminal law against criminal act of embezzlement in office. *Journal of Court and Justice*, 2(1), 66–74 (<https://doi.org/10.56943/jcj.v2i1.263>).
- Rifqi, M. J. (2021). Tinjauan Yuridis terhadap Penyalahgunaan Kegiatan Perbankan dalam Penghimpunan Dana Masyarakat oleh Koperasi. *Al-Jinayah: Jurnal Hukum Pidana Islam*, 7(1), 1–23 (<https://doi.org/10.15642/aj.2021.7.1.1-23>).
- Ryzhenkova, K. V. (2024). Definition of the concept of fraud in the field of banking. *Naukovij visnik Užgorods'kogo nacional'nogo universitetu*, 3(84), 368–373 (<https://doi.org/10.24144/2307-3322.2024.84.3.56>).
- Santoso, J., Sutrisno, S., & Fahmi, H. (2024). Dampak korupsi dalam bentuk pelanggaran hukum terhadap hukum dekalog dan hak asasi manusia di Indonesia. *RERUM: Journal of Biblical Practice*, 3(1), 28–46 (<https://doi.org/10.55076/rerum.v3i1.182>).
- Siddhartha, S. (2024). Corruption through the lens of various ethical

